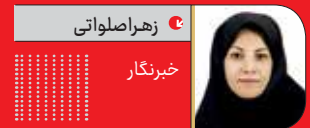


گفت‌وگو با آتش‌تقی پور درباره حضور ۴۰ ساله‌اش در سریال‌ها

تلویزیون جای کاربلدها است



زهراصلواتی
خبرنگار

از سال ۱۳۶۲ و بازی در سریال «ماه پنهان است» تا به امروز، آتش‌تقی پور

مسیری ۴۱ ساله را در تلویزیون پیموده است. او بازیگر سریال‌های متعددی در تلویزیون بوده است که بعضی از آنها ماندگار و خاطره‌انگیز شده‌اند و در زمره بهترین آثار نمایشی قاب کوچک، پس از پیروزی انقلاب اسلامی قرار می‌گیرند. سریال‌هایی مانند سربداران، پهلوانان

نمی‌میرند، روزی روزگاری، شب‌دهم، تفنگ سرپر، خانه‌ای در تاریکی و... . تقی‌پور تأکید می‌کند که اگرچه حضور در سریال‌های تاریخی با سختی و دشواری همراه است اما ارزشش را دارد، چراکه این آثار معمولاً ماندگار می‌شوند. این بازیگر پیشکسوت در همین ارتباط

سریال‌های سربداران، روزی روزگاری، شب‌دهم و پهلوانان نمی‌میرند را مثال می‌آورد. تقی‌پور همچنین معتقد است که شانس یک بازیگر برای نقش‌های بلند با بالا رفتن سن و سالش پایین می‌آید و به همین دلیل، هیچ‌گاه بلندی و کوتاهی نقش برایش اهمیت چندانی نداشته

و بیشتر به تأثیرگذاری نقش فکر کرده است. جلال‌الدین، امام‌علی، معمای شاه، تنهاترین سردار، ستایش، سایه همسایه، پشت کوه‌های بلند و تفنگ سرپر از دیگر سریال‌هایی به‌شمار می‌روند که این بازیگر کهنه‌کار در آنها به ایفای نقش پرداخته است.

سریال پربیننده‌ای بود. هنوز هم مردم این سریال را دوست دارند و بازپخشش را از دست نمی‌دهند. خودم بارها این سریال را تماشا کرده‌ام.

آقا! با مرا... احمد جو هم سه همکاری خیلی خوب داشتید. مخصوصاً سریال روزی روزگاری که خیلی دیدنی بود و با استقبال مردم مواجه شد.

آقای احمد جو واقعاً کاربلد است. درست است که تفنگ سرپر و پشت کوه‌های بلند به اندازه روزی روزگاری دیده نشدند اما سریال‌های خیلی خوبی بودند.

آقا! جالب اینجاست که شما در هر سه سریال نقش یک نظامی را ایفا کردید.

بله، درست است که هر سه نظامی بودند اما این سه نفر شباهتی به هم نداشتند. با وجودی که نقش قزاق سریال روزی روزگاری بیشتر دیده شد اما خودم نقشم در پشت کوه‌های بلند را بیشتر می‌پسندم. واقعاً نقش سختی بود. باید از گویش خاصی استفاده می‌کردیم که برای من واقعاً دشوار بود.

آقا! یکی دیگر از بازی‌های ماندگار تان در سریال «خانه‌ای در تاریکی» و نقش دکتر حشمتی است. پزشکی که دائم‌الخمر بود و از هیچ جنایتی ابا نداشت.

من با آقای سعید سلطانی چند همکاری خوب دارم که یکی از آنها خانه‌ای در تاریکی است. سریال فوق‌العاده‌ای بود. دکتر حشمتی هم در دست شازده بهادر می‌زرا اسیر بود و در جنایت‌های او شراکت می‌کرد. هر چند شاید ذاتاً انسان بد و جنایتکاری هم نبود.

آقا! نگاهی به کارنامه بازیگری شما نشان می‌دهد که روی بلندی و کوتاهی نقش حساسیتی ندارید و همه نوع نقشی را بازی می‌کنید.

کوتاهی و بلندی نقش برایم تفاوتی ندارد. چیزی که برایم مهم است تأثیرگذاری نقش در قصه است. همیشه سریال امام علی را مثال می‌زنم که نقش کوتاهی به عنوان یکی از فقرای کوفه داشتم اما نتیجه کار خیلی راضی‌کننده بود. به هر حال باید پذیرفت که وقتی سن یک بازیگر بالا می‌رود فرصت نقش‌های اصلی و بلند را کمتر به دست می‌آورد. البته در برخی از سریال‌ها از جمله همین شب‌دهم نقشم بلند بود.

آقا! خودتان چه نوع نقش‌هایی را بیشتر می‌پسندید؟

نقش‌های متفاوت را، مثل نقشی که در سریال «سایه همسایه» داشتم. در این سریال نقش یک روستایی را داشتم که برای خودم خیلی جالب بود. واقعیت این است که با بالا رفتن سن و سال، قدرت و اختیار انتخاب بازیگر کم و بیشتر انتخاب می‌شود تا انتخاب کند.

آقا! به نظر تان چرا سریال‌هایی مانند پهلوانان نمی‌میرند و شب‌دهم و روزی روزگاری تا این حد موفق و ماندگار شدند؟

چون به دست آدم‌های کاربلد و حرفه‌ای ساخته شدند. تلویزیون جای چنین کارگردان‌هایی است. باید کار را به کار دانش سپرد. قصه‌های خوب باید نوشته شوند. جذابیت اصلی یک سریال به قصه جذابش است.

آقا! شما خاستگاه تئاتری هم دارید. از میان تلویزیون، سینما و تئاتر کدام را ترجیح می‌دهید؟

اولویت اول و آخرم تئاتر است.



زیادی مثل روزی روزگاری، تنهاترین سردار، پهلوانان نمی‌میرند و تفنگ سرپر به چشم می‌خورد.

کارهای تاریخی را دوست دارم. درست است که بازی در این کارها سختی‌های خاص خودش را دارد اما نتیجه معمولاً خیلی شیرین و رضایت‌بخش است. بیشتر سریال‌های تاریخی ماندگار می‌شوند و مردم تا سال‌ها از تماشای آنها لذت می‌برند. این را هم بگویم که سریال تاریخی ساختن، کارهرکسی نیست و متخصص و کارشناس خودش را می‌خواهد. مثلاً برای ساخت همین سریال سربداران خیلی زحمت کشیده شد، آن هم در آن سال‌ها که امکانات امروز نبود.

آقا! از دیگر سریال‌هایی که شما در آن بازی داشته‌اید، پهلوانان نمی‌میرند به کارگردانی حسن فتحی است که همچنان بیننده دارد.

من با آقای فتحی سه سریال کار کردم؛ یکی از دیگری بهتر. مخصوصاً پهلوانان نمی‌میرند و شب‌دهم. در سریال پهلوانان نمی‌میرند بازیگران توانمندی بازی می‌کردند که خیلی هایشان یا به رحمت خدا رفته‌اند یا خانه‌نشین شده‌اند. خیلی سریال خوبی بود.

آقا! و شما در این سریال نقش لطف‌آ... طاهر را بازی می‌کردید.

بله، یکی از پهلوانانی بود که سودای پهلوان‌اولی شهر را داشت اما جرأت نمی‌کرد ابراز کند و جلو بیاید، برای همین هم حسین قلیچ را جلو انداخت که البته او هم از نصرت شکست خورد.

شخصیت‌پردازی‌های خیلی خوبی روی کاراکترهای سریال شده بود. از طرف دیگر، مردم هنوز هم به آیین‌های پهلوانی علاقه دارند و قصه‌های مربوط به پهلوانان را دنبال می‌کنند. قصه سریال پهلوانان نمی‌میرند هم که فوق‌العاده بود.

آقا! یک تجربه عالی دیگر را هم با آقای فتحی در سریال شب‌دهم داشتید. شب‌دهم هم سریال ماندگاری شد.

بله، شب‌دهم هم فوق‌العاده بود. من نقش خسروخان را در این سریال بازی می‌کردم. خان بود اما اصالت و ریشه نداشت. از آن خان‌های تازه‌به‌دوران‌رسیده! نقش را خیلی دوست داشتم. شب‌دهم در زمان خودش

بازی در آثار تاریخی سختی‌های خاص خودش را دارد اما نتیجه کار معمولاً خیلی شیرین و رضایت‌بخش است



آقا! این روزها را چگونه می‌گذرانید؟

علاکه در خانه هستم و پیشنهاد کاری ندارم.

آقا! در بیش از ۴۰ سال که از فعالیت شما در تلویزیون می‌گذرد در سریال‌های خاطره‌انگیز و ماندگار زیادی از جمله سایه همسایه، سربداران، پهلوانان نمی‌میرند، شب‌دهم، تفنگ سرپر، خانه‌ای در تاریکی، روزی روزگاری، ستایش و... نقش آفرینی کرده‌اید. خودتان بازپخش این سریال‌ها را در سال‌های اخیر دیده‌اید؟

بله، هر شبکه‌ای که این سریال‌های قدیمی را پخش کند حتماً تماشا می‌کنم. یکی از دلایل علاقه‌ام به شبکه آی فیلم، پخش دوباره همین سریال‌هاست. واقعاً بعضی از این سریال‌ها تکرار نشدنی هستند. جالب است که حتی نسل جدید هم این سریال‌ها را دوست دارند. تا جایی که خبر دارم هنوز مردم این سریال‌های قدیمی را می‌بینند و از آنها لذت می‌برند.

آقا! یکی از بازی‌های جالب و خاطره‌انگیز شما به سریال سربداران و نقش یکی از فرماندهان مغول بازمی‌گردد که با وجود گذشت ۴۰ سال از ساخت آن و امکانات آن دوران همچنان تماشاایی به نظر می‌رسد.

بله، سربداران یک سریال فوق‌العاده بود، آن هم با امکانات آن سال‌ها که زمان جنگ بود و محدودیت‌های زیادی وجود داشت. من نقش پسرعم طغای تیمورخان را در این سریال بازی می‌کردم. یکی از فرماندهان مغول بودم اما بیشتر به تفریح و می‌گساری می‌پرداختم. منظورم این است فرماندهی که من نقشش را بازی می‌کردم با مغولان جنگجو تفاوت‌های زیادی داشت و یک شمایل جدید و متفاوت را از مغولان به نمایش می‌گذاشت. به نظرم حضور این کاراکتر برای تلطیف فضای قصه بود.

آقا! بازی در سریال‌های تاریخی مانند سربداران باید کار سختی هم باشد.

بسیار سخت و دشوار است. در همین سریال سربداران باید با اسب کار می‌کردیم که خیلی سخت بود. خاطرم هست یک بار نزدیک بود برای مرحوم فیروز بهجت‌محمدی که نقش طغای را برعهده داشت، رم‌کردن اسب‌ها اتفاق بیفتد که خدا را شکر به‌خیر گذشت.

آقا! جالب آن‌که با وجود سختی‌هایی که از آن صحبت می‌کنید در کارنامه هنری شما بازی در سریال‌های تاریخی